

# نظام آموزشی چین، دوزخی برای ورود به بهشت

## محمد داوری

چین به طور کلی و نظام آموزشی آن به طور خاص حالا بیش از همیشه نه فقط برای همه جهان بلکه حتی برای ایرانیان کنجکاوانه مورد تامل فرا می‌گیرد و این جلب توجه در دهه‌های اخیر به خاطر رشد اقتصادی چین وسیع‌تر هم شده است، عده‌ای با شیفتگی و تحسین اغراق‌آمیز از الگوی چینی سخن به میان می‌آورند و عده‌ای نیز با تعصب ضدچینی با برجسته‌سازی نکات منفی غیرمنصفانه به نقد می‌پردازند.

روی سخن این نوشتار متمرکز بر نظام آموزشی چین به پشتوانه کتابی است که توسط محمدرضا نیکنژاد، مهدی بهلولی و آرمان بهلولی از نویسندگان چینی (یانگ ژائو) تحت عنوان (چه کسی از اثردهای گول‌پیکر بد می‌ترسد) ترجمه و توسط انتشاراتی نقد فرهنگ روانه بازار نشر شده است. در عنوان دوم روی جلد این کتاب با این پرسش که (چرا چین بهترین و نیز بدترین سامانه آموزش و پرورش جهان را دارد؟) تأکیدی شده است که کتاب متمرکز بر ارزیابی نظام آموزشی چین از منظر مخالفان و موافقان است.

رشد اقتصادی چین در سه دهه گذشته واکنش رقیب غربی خود را برانگیخته است با تصور اینکه مهم‌ترین دلیل این رشد نظام آموزشی چین بوده، بوش در دهه نخست قرن 21 با شعار (هیچ کودکی جا نماند) و اوباما در دهه دوم با شعار (رقابت تا برتری) تلاش کردند متولیان حوزه آموزش و پرورش را متوجه اهمیت نظام آموزشی در رقابت‌های جهانی کنند، چراکه در آمریکا برخی با تحسین نظام آموزشی چین خواستار الگوبرداری از آن بودند.

البته امریکایی‌های تحسین‌کننده نظام آموزشی اقتدارگرای چینی، همزمان نظام اقتدارگرای سیاسی چین را مورد سرزنش قرار می‌دهند، تحسین‌کننده‌ها با اشاره به شاخص‌هایی از قبیل اقتدار، طبقه رسمی اخلاقی، عدم فساد سیاسی و عدم تعصب مذهبی برای خیر عمومی استناد کرده و رمز و راز رشد اخیر چین را در نظام آموزشی چین دانسته‌اند. این افراد در واقع از میراث نظامی دفاع می‌کنند که در دوره امپراتورها تحت عنوان (کجو) به عنوان پنجمین اختراع چینی‌ها بعد

از باروت، قطب‌نما، کاغذ و حروف چاپی بنیادی‌ترین و ماندگارترین ارزش‌های شرقی را شکل داده است اما این کجوی چینی در برابر هجوم نظامی غرب نتوانست کار کند و مانع صنعتی شدن و انقلاب صنعتی شد یعنی وضعی که چینی‌ها را مجبور به تجدیدنظر و انقلاب‌های فرهنگی ناکام کرد تا اینکه با اعزام دانش‌آموز به غرب در صد بهسازی مشروطه‌خواهان بر آمدند نه انقلاب جمهوری‌خواهان.

این تحسین که به تفصیل در کتاب مذکور به بحث گذاشته شده است مورد نقد مخالفان نظام آموزشی اقتدارگرای چینی قرار گرفته و این منتقدان با این اصطلاح که این نظام آموزشی همچون دوزخی است که دانش‌آموزان را به بهشت وعده می‌دهد از اثرات مخرب آن گفته‌اند و در مقایسه با نظام‌های آموزشی مبتنی بر ساختارهای دموکراتیک نوشته‌اند، این نظام مبتنی بر ساختار سلسله مراتبی است و ریشه در فرهنگ کنفوسیوسی دارد و میراث امپراتوران چینی است و یک نظام آموزشی استخدام‌محور است نه کارآفرین که به تفاوت‌های فردی و خلاقیت و نوآوری اهمیت نمی‌دهد، تمرکزگرایی و آزمون محوری از محورهای دیگر منتقدان است که آن روی سکه نظام آموزشی چین را نمایان می‌سازد.

کتاب در فرازهایی تقابل مخالفان و موافقان نظام آموزشی چین را این‌گونه به تصویر می‌کشد که آزمون محوری و استخدام‌اندیشی را رمز شایسته‌سالاری حزب کمونیست میدانند که حالا جایگزین امپراتوران چینی شده در حالی که در آن سوی این سکه نظامی است که فرمانبرداری، سرسپردگی و همسان‌سازی را ترویج و تقویت می‌کند.

به خوبی روشن است که نیروی کار ارزان، فرمانبردار و باانگیزه رمز رشد اقتصادی (نه توسعه همه‌جانبه) چین بوده است رشدی که مدیون تجدیدنظری اساسی نسل جدید رهبران حزب کمونیست به منظور تغییر سیاست به خود رهبری و فرمانروایی بدون فرمان دادن بوده که البته این تجدیدنظر نیازمند نظام آموزشی متناسب با این رویکرد است که به نظر می‌رسد فرهنگ حاکم بر چین و مقاومت‌ها صورت گرفته تاکنون مانع از استقرار نظام آموزشی خلاق‌محور و زندگی محور شده است.

نویسنده به خوبی در انتهای کتاب از دو سرمشق نام می‌برد که به دو نتیجه کاملاً متفاوت منجر می‌شود یکی نظام آموزشی استخدام محور و دیگری نظام آموزشی کارآفرین محور و چین برای عبور از نظام اقتدارگرا و استخدام محور که به پشتوانه حمایت خانواده‌ها و سختکوشی دانش‌آموزان استمرار یافته و رشد اقتصادی را رقم زده است باید تحول اساسی ایجاد کند.

خواندن این کتاب را به همه علاقه‌مندان به توسعه و کنشگران مدنی به ویژه فعالان حوزه آموزش توصیه می‌کنم کتاب جذاب و مفید و موثری است که شروع به خواندن آن شما را علاقه‌مند به ادامه خواهد نمود و

بي‌ترديد اگر دل در گروه آموزش داشته باشيد تا كتاب را به پايان نرسانيد رهايش نخواهيد كرد. جا دارد به روان دوست و همكارم مهدي بهلولي كه قرباني کرونا شد درود بفرستم و سپاسگزاري كنم از فرزندش آرمان و دوست مشتركمان و يار هميشه همراهش محمدرضا نيكنژاد كه كار ناتمام مشتركشان را به خوبي به پايان رساندند و تقديم جامعه كردند.

منبع: روزنامه اعتماد 22 شهريور 1401 خورسرخ